

پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرجی

مضامختاری

اشاره

مرحوم استاد گرجی در حدود ۹۰ سالگی در اسفند ۱۳۸۹ در تهران درگذشت. از آنجا که سرگذشت ایشان در نشریات و برخی کتابها از جمله مجموعه مقالات در بزرگداشت استاد عالیقدر فقه و حقوق دکتر ابوالقاسم گرجی (دو جلد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹ ش) آمده است از بیان سرگذشت ایشان چشم می‌پوشم و به درج پنج نامه وی در بیست سال اخیر عمرش اکتفا می‌کنم. این بنده در بیست سال اخیر حیاتش با وی مکاتبه و رفت و آمد داشتم. و این نامه‌ها نشان دهنده تواضع علمی و برخی افکار و اندیشه‌های اوست.

نامه اول

حضور گرامی دانشمند ارجمند و محقق ارزشمند جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری (وفقه الله تعالی) ضمن عرض سلام و احترام
کتاب شریف منیه المرید تألیف شهید بزرگوار، تحقیق آن محقق عالیقدر و وصول بخشید، الحق بسیار خوب کار کرده‌اید؛ با اینکه شهر مقدس قم از بدو تأسیس حوزه علمیه حوزه فعالیت بوده است، نمی‌دانم چرا تا قبل از انقلاب اسلامی از این لحاظ فعالیت خوب و چشمگیری نداشته است، کتاب اصولی را از آثار علمای نجف به چاپ رساندند که اگر ادا کنم تاکنون کتابی به آن کثرت اغلاط ندیده‌ام باور بفرمائید، خوشبختانه همان کتاب را اخیراً بسیار خوب، مصحح، مدّیل به پاورقیهای مفید و سودمند به چاپ رسانده‌اند انسان لذت می‌برد، جناب عالی هم در چاپ این کتاب گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اید، مقدمه عالی و سودمند، تصحیح، اعراب و شکل، پاورقیهای بسیار مفید و با ارزش، فهرس متعدد خیلی سودمند، الحق کتاب را احیا کرده‌اید، از خداوند متعال توفیق هرچه بیشتر آنجناب را طالبم. کتابی را که به خدمتتان تقدیم می‌دارم در صورت حیات و سلامت و وجود شرائط چندین مجلد دیگر را در پی دارد، متأسفانه به علت بنائی منزل در حال حاضر جلد اول را در اختیار نداشتم تا آن را هم تقدیم دارم. احتمالاً تاکنون توفیق زیارت حضوری دست نداده است، ملتزم دعا هستم.

۱. مراد کتاب مجموعه مقالات حقوقی ایشان است.
(کتاب شیعه)

با تجدید احترام
ابوالقاسم گرجی
۶۹/۵/۹

کتاب شیعه [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[اسناد، مکتوبات]
پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرجی



۱۴۴



نامهٔ دوم

باسمه تعالی

دانشمند ارجمند، محقق گرامی جناب آقای رضا مختاری (وفقک الله تعالی)

ضمن عرض سلام و احترام

مقاله ارزنده «غنای دانش و روش...» اثر عالمانه سرکار را مطالعه کردم، از لطفی که مبذول فرموده‌اید بسیار سپاسگزارم و از بیان سهوها و نکته‌ها استفاده کردم.

بنده در آن موقع که در صدد نوشتن مقدمه جوامع الجامع بودم کتاب محققانه طبرسی و مجمع البیان^۲ به دستم رسید، کتاب را در نوع خود یگانه یافتیم، در حال حاضر هم بر همین عقیده‌ام، از این روی خود را در ترجمه حال مرحوم طبرسی و معرفی شخصیت او از غیر این کتاب بی‌نیاز دیدم و چنانچه در پاورقی صفحه دوم معروض داشتم مهم‌ترین مرجع اینجانب از صفحه دوتا پایان صفحه نوزده مقدمه همین کتاب بود، در خلال کار به اشتباهاتی هم برخورد کردم، بدون تعرض اصلاح کرده و چاپ کردم، امید است در چاپ بعد خود اینجانب یا فرد با صلاحیت دیگری تجدید نظر کلی به عمل آورد، اگر اجازه فرمائید ممکن است عین مقاله جنابعالی را در مقدمه جلد سوم که تقریباً به پایان رسیده است به چاپ رسانم.

اما راجع به نکات شاید بنده به همه و یا لااقل به بیشتر آنها متوجه بودم، لیکن:

در مورد ذکر مآخذ احادیث بنده عقیده دارم که مرحوم طبرسی از لحاظ نقل احادیث دارای صلاحیت کمتری نسبت به دیگران نیست تا این که احادیثی را که ایشان نقل کرده است به دیگران مستند کنم، در پایان کتاب هم فهرست احادیث آمده، احادیث اهل سنت هم به زمخشری مستند است، در مورد اختلاف حروف آیات و تفسیر متأسفانه در آن تاریخ حروف سیاه مشکول وجود نداشت تا در آیات از آن حروف استفاده شود. در مورد ذکر مشخصات منابع که هم در کتابشناسی آمده و هم در پاورقی، علاوه بر اینکه بنده بیشتر روی سهل التناول بودن فکر می‌کنم، احتمال می‌دادم که از چاپهای مختلف یک کتاب استفاده کنم.

و اما در مورد «ی» بنده روش دیگری را برگزیده‌ام و آن این است که قبل از الف مقصوره فتحه می‌گذارم و قبل از «ی» هیچ. در مورد عدم رعایت یکنواختی رسم الخط، بنده غالباً رسم الخط قدیم را ترجیح داده‌ام، مخصوصاً در مورد کتابت همزه، حروف عله و مانند آن. در مورد رسم الخط جدید گاهی اشتباهاتی رخ داده، گاهی هم عمداً به صحت رسم الخطهای مختلف اشاره کرده‌ام، و گاهی متأسفانه اهمیت نداده‌ام و در مورد نسخه بدل‌های غلط یا بی‌اهمیت از بسیاری از محققان پیروی کردم که عقیده دارند فوایدی دارد از جمله کتابت شناسی و غیره....

با تقدیم احترام: ابوالقاسم گرجی

تاریخ ۶۹/۹/۵

کتاب شیعہ (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

[اسناد، مکتوبات]

پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرجی



۲. نوشته مرحوم دکتر حسین کریمیان، در دو مجلد، چاپ دانشگاه تهران.

نامه سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

محقق گرامی و دانشمند ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری (وفقه الله تعالی)

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مرقوم شریف به ضمیمه فهرست تحقیقی آثار خطی شیخ مفید در کتابخانه... واصل و بسیار سپاسگزارم. تشرف اینجانب به قم و شرکت در کنگره شیخ مفید (قده) در حقیقت جمع بین حقیقین بود، از طرفی خیلی به شرکت در کنگره تمایل داشتم و از طرف دیگر مجال واسعی نداشتم، از این رو صبح روز دوم مراجعت کردم. در مورد اغلاط چاپی جلد سوم جوامع الجامع عادت شورای مدیریت حوزه برای این جاری بود که اغلاط چاپ اول را تصحیح و سپس افسست می کردند. امید است در صورت تصمیم چاپ همینطور عمل کنند، متأسفانه ظاهراً با تغییر مدیریت قدری تغییر و لااقل کندی به وجود آمده است، در هر حال تمنا دارد چنانچه به اغلاط تازه ای برخوردید آگاه و ارسال فرمائید. امید است قبل از تجدید طبع تصحیح شود بسیار سپاسگزارم.

در مورد تقسیم بندی جدید فقه، اینجانب در گذشته یکی دوبار فقه را تقسیم بندی کرده ام و در بعضی مقالات اینجانب چاپ هم شده است، احتمالاً در مقاله ای به نام ولایت و حکومت باشد، در این تقسیم بندی ها اختلاف اساسی وجود ندارد، تقسیمات و احیاناً تشقیقاتی بر تقسیم بندی محقق حلی رحمه الله اضافه شده است و بالنتیجه اگر ایشان فقه را به ۴ قسم تقسیم کرده اند اینجانب به ۷ یا ۸ قسم تقسیم کرده ام، و یا مثلاً یک قسم از چهار قسم را عبادات قرار داده اند، اما اینجانب آن را به شقوقی از قبیل: عبادت محض، عبادات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره تقسیم کرده ام.

اما در حال حاضر معتقدم باید چهارچوب عوض شود: احکام به چند نوع تقسیم شود: به شخصی، خصوصی و عمومی؛ به نفسی و غیره؛ به تکلیفی و وضعی؛ تکلیفی به واجبات؛ محرمات؛ مستحبات؛ مکروهات و مباحات؛ وضعی به عقود، ایقاعات؛ عقود به تقسیمات عدیده مانند لازم؛ جائز؛ اذنی و عهدی؛ مالی و غیر مالی؛ مالی به معاوضی و غیر معاوضی و هكذا؛ سپس انواع هریک از اقسام حاصله را مطرح، و ابواب و فصول و احکام هریک به دنبال آن ذکر شود. این تقسیم هنوز از عالم تصور به تصدیق، و از وجود ذهنی به وجود کتبی و غیره نیامده است. بعید نیست بر مبنای این تصور، فقه به دو برابر یا بیشتر درآید. بیش از این مصدع نمی شوم.

با آرزوی سلامت، سعادت و توفیق

گرچی

۷۲/۳/۶



کتاب شیعہ [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[اسناد، مکتوبات]

پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی



نامه چهارم

حضور محترم حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای رضا مختاری - ایده الله

با عرض سلام و احترام فراوان

موفقیت آنجناب در مورد کتاب سال و نیز حلول سال نوراً صمیمانه تبریک معروض می‌دارد و از خداوند متعال سلامت و سعادت و موفقیت روزافزون برای آنجناب آرزو دارد. از این که لطف فرمودید و جزء اول کتاب غایة المراد و حاشیه ارشاد اثر شهیدین - قدس سرهما، با مقدمه ممتع، وسیع و محققانه، و نیز تحقیقات رشیده و عالی و بسیار سودمند خود ارسال فرموده‌اید بیش از پیش سپاسگزارم و از خداوند متعال موفقیت هرچه بیشتر آنجناب را در راه بسط و اشاعه فرهنگ اسلام مسألت دارم.

ارادتمند: ابوالقاسم گرجی ۷۴/۲/۲

نامه پنجم

باسمه تعالی

حضور محقق دانشمند و محقق ارجمند

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری (سلمه الله تعالی و آئیده)

با سلام و احترام تمام

دو فقره نامه گرامی و سه مجلد بزرگ مجموعه بسیار نفیس و سودمند غنا و موسیقی عز و وصول بخشید، جز اظهار به زبان یا نوک قلم برای ابراز سپاس درونی بیکران خود راهی ندارم، رسالات بسیار از پیشینیان و نظرات فراوان از گذشتگان و معاصران شیعه و سنی، مطالب سرشار متنوع، از همه مهم تر عرضه بسیار خوب جنابعالی، تلفیق دقیق منسجم و متناسب، تحقیق عمیق و فهارس سودمند و تعلیقات فراوان و تصحیحات بسیار دقیق و برجسته، یادم آمد شاید در متجاوز از ۳۰ سال قبل در آن هنگام که به تصحیح کتابی اشتغال داشتم به نام یکی از فقهاء، معروف به قطب الدین کیدری برخورد کردم، در صدد برآمدن تا بدانم کیدر کجا یا چه چیز است؟ مرکب است یا بسیط؟ فارسی است یا عربی؟ به کتب بسیاری در لغت، لغتنامه، جغرافیا، تراجم و فهارس مراجعه کردم، با آن که برخی از مراجع محققانه و دارای اعتبار کافی بود با اینحال نتوانستم در این باب اطمینانی به دست آورم، در عین حال با درصد احتمال بیشتر کیدر را به کندر، یکی از قراء نیشابور، تصحیح قیاسی کردم و علی الظاهر هیچگونه اشاره‌ای به کوشش و کاوش خود هم ننمودم، هنگام مطالعه این اثر نفیس دریکی از صفحات جلد سوم این کلمه را به طور مشکول به کیدر تصحیح فرموده‌اید و در پاورقی هم هیچگونه اشاره‌ای به وجه ضبط و مرجع تحقیق خود فرموده‌اید، امید است حضوراً استفاده کنم تا در صورت تجدید طبع، تصحیح آغازین

کتاب شیعه [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[اسناد، مکتوبات]
پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرجی



خود را با ذکر مأخذ تغلیط کنم. جمله ای بود معترضه. هدف اصلی تبیین موقع بسیار بالای این تحقیق گران سنگ است. ضمناً از لطف وافر که در مقدمه مُمتنع و بسیار سودمند کتاب در حق این حقیر مبذول داشته اید صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند متعال توفیق و سعادت و سلامت جنابعالی و دوست و همکار ارجمندتان^۲ را در راه خدمات علمی و تحقیقی خواستارم.

ناگفته نماند موضوع تحقیق به مسأله یا مسائل خاصی محصور نیست، همه مسائل: کلامی، فقهی، اصولی، قرآنی، روائی و غیرها به تحقیق مجدد نیاز دارد، تحقیق گذشتگان برای زمان ما کافی نخواهد بود، از جمله در: تصویب و تخطئه، کفر و اسلام، معروف و منکر، ارشاد و حُسبه، اعانت و تعاون، اراده و اختیار، مصالح و مفاسد، عدالت فردی و اجتماعی، عقد و ایقاع، اکراه و تقیه، تعبّد و احتیاط، امضاء و تأسیس، مولوی و ارشادی، حقیقی و اعتباری، واقعی و ظاهری، اولی و ثانوی، عمومی و خصوصی، موضوعی و طریقی، فتوی، قضا و حکومت، ولایات فقیه و غیره، از قبیل عادل و جائز و صدها مسائل دیگر.

در اینجا مناسب می دانم نظر خود را به اختصار در باب آهنگ، غنا و موسیقی، تجسیم، تشبیب، رقص و مانند آن بیان دارم. در گذشته یعنی در زمانهای مقارن با صدر اسلام نوع و یا انواعی از لحنها و آهنگها وجود داشته که منحصرراً در امور محرمه کاربرد داشته؛ مثلاً در مورد تحریک و تهییج به زنا، لواط، شرب خمر و غیر ذلک از امور محرمه، یا اگر این انحصار در اصل آهنگ هم وجود نداشته کثرت کاربرد آن در این نوع موارد، آهنگ را به قسم اوّل ملحق نموده است، این نوع آهنگها را غنا نامیده اند و شارع مقدس به حرمت آن حکم فرموده است. در غیر دو مورد مذکور، اعم از آن که حقیقه یا مجازاً یا بر نحو عموم مجاز و غیره آهنگ را غنا بنامیم یا ننماییم، به هیچ وجه؛ دلیل معتبر ظاهر الدلالة ای بر حرمت آن از لحاظ عنوان غنا وجود ندارد، و مجرد اخذ ترجیع، یا اطراب، یا هر دو، یا لهُو، یا هر سه در معنی لغوی غنا، یا مستندات شرعی حرمت غنا، نمی تواند دلیل بر حرمت این عناوین باشد... بنابراین، غناء محرم همان است که ذکر شد، و صرف نظر از آن، چون ادله اجمال دارد باید به قدر متیقّن آن اقتصار کرد. و قدر متیقّن همان مقدار اقلّ است.

نسبت به سایر موارد، چنانچه آهنگ به موارد جائز اختصاص داشته باشد مانند الحانی که در موارد قرائت قرآن و شبه آن به کار می رود و یا الحان مشترک مانند بیشتر آهنگها قطعاً بدون اشکال است. و در صورت شک بعضی مواردی که احتمال انحصار و شبه انحصار آن به محرم و اشتراک آن بین محلّل و محرم هر دو می رود به موجب اصل برائت جواز آن خالی از اشکال است.

علاقه داشتم چند جمله ای هم در باب تجسیم، تشبیب، تغزل و حتی رقص و غیره به عرض برسانم؛ اما به علت پرهیز از اطالۀ بیشتر همین مقدار اشاره می کنم که در باب این امور هم مشابه آنچه در باب غنا معروض افتاد می توان اظهار داشت، تکرار نمی کنم.





و در خاتمه بار دیگر این کار عظیم را که جنابعالی و دوست بزرگوار ناآشنایان انجام داده‌اید تبریک و تقدیر می‌نمایم، و از لطفی که در حق این حقیر مبذول داشته‌اید سپاس فراوان دارم، و از این که تا این حد در عرض ارادت، اعلام وصول، تشکری پایان تأخیر افتاد، شرمندۀ ام، پوزش اینجانب را بپذیرید.

اینجانب پیرو فرسوده شده‌ام بیش از گنجایش وجودیم از اینجانب انتظار دارند، تمام اوقات اینجانب را گرفته‌اند، وقتی باقی نمانده است تا به کارهای مورد علاقه‌ام از جمله ارسال همین تشکر و اعتذار بپردازم. لذا این کار را برای ایام تعطیل گذاشته‌ام، به علاوه علاقه داشتم دو سه کتاب جدید الطبع یا تجدید طبعی که به منزله چاپ جدید است ارسال دارم، متأسفانه جز ارسال یکی (جلد چهارم جوامع الجامع) امکان پذیر نشد.

کتاب دوم، کتاب تاریخ فقه و فقهاست که با این که چاپ سوم است به منزله چاپ اول است (توضیح داده خواهد شد) کتاب سوم، کتابی است در آیات احکام.

امید است کتاب دوم و سوم هم در آینده ارسال گردد.

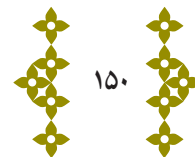
اینک سه تذکر و توضیح:

۱. اینجانب در آغاز کار بر روی تفسیر جوامع الجامع تصوّر می‌کردم، چاپ این کتاب در سه جلد پایان خواهد یافت. در مقدمه یا مؤخره جلد اول هم به این امر اشاره کردم، بعدها دریافتم جز در چهار مجلد امکان اتمام آن نخواهد بود. پس از پایان جلد سوم، به علت سنگینی مفرد کار و قلت توان اینجانب از تحمّل آن، به فکر فرو رفتم و سخت دل مشغول شدم که چه خواهد شد؟ و خداوند چه می‌خواهد؟ آیا چاپ این کتاب به آخر خواهد رسید؟ از خداوند استمداد کردم به یاد آمد که از یکی از دانشجویان برجسته دوره دکترا، حقوق خصوصی، که علاوه بر حقوق در ادبیات فارسی هم دکترا، و در فضل و فضائل دیگر نیز در بین سایر دانشجویان دوره دکترا گوی سبقت را ربوده‌اند، درخواست یاری کنم، خوشبختانه با درخواست اینجانب موافقت کردند و با جمعی از فضلا به کار مشغول شدند و خوشبختانه اینجانب را در این دم واپسین از غم و غصه رها ساختند. خداوند کلیه حوائج آنان را بر آورد.

غرض این است که اینجانب در مورد جلد چهارم جز عنوان نظارت و توصیه، عملی انجام نداده‌ام، کار را همین دوستان انجام داده‌اند. کم و کیف مطالب را به تفصیل در مقدمه همین جلد آورده‌ام. مع ذلک، و با نمونه‌ای که برای پشت جلد به چاپخانه ارسال شده است با این حال غفلتی روی داده و پشت جلد به روال سایر مجلدات به نام اینجانب به چاپ رسیده است.

امید است در آینده به نحو ممکن اصلاح به عمل آید.





۲. شاید اوائل انقلاب یا کمی پیش از آن، که اینجانب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی تدریس داشتم، از اینجانب خواسته شد که در تاریخ فقه و فقها تدریسی داشته باشم، در یک دو سال که در این ماده تدریس داشتم طبیعاً به اصطلاح، جزوه (جزأه) ای هم تهیه شد، گرچه در آغاز نسبت به چاپ آن، خطوره بالی هم به وجود آمد، لیکن به علت قلت مجالی که پیوسته گریبانگیر اینجانب است به انصراف کشیده و کم کم به دست فراموشی سپرده شد. پس از چند سال در موقعی که به موجب دعوتی در شورای در سازمان سمت حضور پیدا کرده بودم یکی از حاضران که گویا دانشجوی گذشته اینجانب در این درس بود درخواست چاپ جزوه مزبور را کرد. با تصویب چاپ جزوه مسأله صورت جدی تری به خود گرفت، مشکل کار نیاز به ویرایشی بود که اینجانب مجال آن را نداشتم، دوست مشترک ما که ایشان نیز در آن جلسه حضور داشتند ویرایش را به عهده گرفتند، خوشبختانه با تحمل رنج و مشقت بسیار، کار ویرایش را به نیکی به انجام رساندند، خداوند این دوست عزیز را بیش از پیش توفیق دهد و سعادت دارین نصیب فرماید، پس از پایان چاپ اول با توفیقی که انجام گرفت به سقطها و اشتباهاتی برخورد و در صفحه جداگانه ای به چاپ رسید و به نسخه های موجود ضمیمه شد، سپس نوبت چاپ دوم فرارسید، این چاپ هم بر منوال چاپ اول انجام گرفت، برای چاپ سوم تصمیم گرفتم کتاب را دقیقاً تصحیح و به چاپخانه ارسال دارم، خوشبختانه این عمل در نیمه دوم سال ۱۳۷۸ انجام گرفت و در مواردی هم در آن مختصری تغییر و اضافات صورت گرفت و به وسیله دوست مزبور به چاپخانه ارسال شد امید است چاپ شده و نسخه ای از آن را ارسال دارم. هنوز اقدام به چاپ سوم چیزی به آگاهی اینجانب نرسیده است.

۳. اینجانب تعدادی تألیف دیگر دارم که هنوز به چاپ نرسیده است. این تألیفات بعضی به مرحله چاپ نزدیک تر است و بعضی دورتر. از دسته اول، یکی در آیات احکام و زیر چاپ است، و دوسه دیگر، در قواعد فقه، مجموعه مقالاتی در حقوق اسلامی و اصول فقه. امید است با دعای خیر جنابعالی خداوند توفیق چاپ آنها را نیز نصیب فرماید، ان شاء الله هر کدام به چاپ برسد تقدیم خواهم داشت. دسته دوم که آثاری است در اصول فقه و فقه، به علت نیاز به تجدید نظر و وسیع، از مثل اینجانب امید بستن به چاپ آنها چندان عاقلانه نخواهد بود.

در اینجا سخن ممل خود را به پایان می برم و از خداوند متعال برای جنابعالی توفیق و سعادت مسألت دارم، ضمناً تبریکات صمیمانه اینجانب را برای حلول سال نو و عیدهای دینی و مذهبی قربان و غدیر بپذیرید، بسیار سپاسگزارم.

ابوالقاسم گرجی
۷۹/۱/۱۱

